



● محمد دشتی

درک بهتر جهان باریاضی

گفت‌وگو با مهندس **هادی میرزاپور**
تحلیلگر داده، دانشجوی فناوری اطلاعات

صمیمت و رفتار گرم و دوستانه عامل بزرگی برای برقراری ارتباط مؤثر است. موضوعی که در اولین ارتباط تلفنی با مهندس هادی میرزاپور مرا به شک انداخت که نکند ما از قبل یکدیگر را می‌شناسیم. وقتی که بعد از قرار تلفنی در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» به سراغش رفتم متوجه شدم که در مورد شناخت قبلی اشتباه کرده‌ام، اما در خصوص اینکه بسیار صمیمی و مهربان است، هیچ شکی برایم باقی نماند. شاهد این مدعا هم صحبت‌های دوستانه و انگیزاننده اوست که با خواندن این گزارش متوجه آن خواهید شد. صحبت‌هایی که از ریاضی آغاز و با ریاضی پایان یافت. این گفت‌وگو را که ضمن آن آشنایی بیشتری با وی پیدا خواهید کرد با هم می‌خوانیم.

● در آن سال‌ها مجله‌های رشد و از جمله رشد ریاضی برهان چگونه به دستتان می‌رسید؟

○ مجله‌ها در مدرسه ما توزیع نمی‌شدند. بعد از این آشنایی اولیه بود که در هر شماره یکی از بچه‌ها مسئولیت خرید آن را بر عهده می‌گرفت و از جایی به بعد مسئولیت این کار به من سپرده شد. در سطح شهر بابل فقط «کتاب‌فروشی حمدی» بود که - البته هنوز هم هست - مجله رشد ریاضی برهان را داشت. مجله را ما از آنجا می‌خریدیم. جایی که از آن خاطره شیرینی دارم و هنوز هم اگر موقعیتش پیش بیاید سری به این کتاب‌فروشی جذاب و دوست‌داشتنی می‌زنم. این را هم اضافه کنم که مجله رشد آن زمان توزیع گسترده امروز را در مدرسه‌ها نداشت. من در مدرسه نمونه دولتی درس می‌خواندم و این مدرسه‌ها معمولاً فاصله زیادی از شهر داشتند. در کل در استان مازندران فقط سه دبیرستان نمونه دولتی وجود داشت. این مدرسه‌ها، بر اساس فلسفه شکل‌گیری‌شان، باید در منطقه‌های محروم راه‌اندازی می‌شدند. به همین دلیل نیز به صورت شبانه‌روزی اداره می‌شدند. دانش‌آموزان از شهرهای متفاوت استان در آزمون ورودی مدرسه نمونه دولتی شرکت می‌کردند که در صورت پذیرفته شدن امکان تحصیل در آن را داشتند.

● این مجله چه جذابیت و کاربردی برای شما داشت که این گونه مصمم شدید، مرتب آن را تهیه کنید؟

○ واقعیتش این است که مجله رشد ریاضی برهان بهانه

● عنوان ریاضی و رشته ریاضی ممکن است حس‌های متناقضی را در افراد برانگیزد، به طوری که جمعی ممکن است با شنیدن آن به یاد مرارت‌های بی‌پایان ناشی از درک‌نکردن درس ریاضی بیفتند و در مقابل، کسانی که با ریاضی ارتباط برقرار کرده‌اند، ممکن است زیبایی‌ها و جذابیت‌های آن را بی‌پایان بدانند. حس و نظر شما در این خصوص چیست؟

○ به گمانم با همین آشنایی مختصری که حاصل شده است، پاسخ سؤال خودتان را می‌دانید و طبیعی است که من عاشق ریاضی باشم. اما موافقم که عده‌ای هستند که هیچ‌گاه ریاضی را دوست نداشته‌اند. امیدوارم این گفت‌وگو مفید باشد و بتواند نظر آن دوستان را تغییر دهد. اجازه بدهید این گونه آغاز کنم و بگویم که در سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ که در شهر بابل در دبیرستان شبانه‌روزی و در رشته ریاضی درس می‌خواندم، روی وجهه علمی برخی درس‌ها، مثل ریاضی، تأکید می‌شد و در نتیجه من هم به حل مسئله‌های ریاضی خیلی علاقه‌مند شده بودم. خاطرم هست که یک بار آقای **حسینی**، معلم جبر و هندسه ما، مسئله خاصی را در کلاس مطرح کرد که بچه‌ها لذت بردند و از آن استقبال کردند. مسئله‌ای که باعث شده بود با هم مباحثه کنند و بعد از چند روز به راه‌حلی برای آن برسند. بعد از آن فهمیدیم که این مسئله از جمله مسئله‌هایی است که در مجله «رشد ریاضی برهان» چاپ می‌شوند. وقتی که بیشتر با مجله آشنا شدم، دریافتم این نشریه محتوای جذابی دارد و ضمناً در صفحه‌های پایانی آن تعدادی مسئله در قالب سؤال و مسابقه مطرح می‌شود.

اکنون نیز مجله و دوست قدیمی خودم، یعنی رشد ریاضی برهان را نیز پایش و رصد می‌کنم. شاید لازم باشد که بگویم علاقه‌مندی به ریاضی همیشه و تاکنون با من همراه بوده است و کار حرفه‌ای که خارج از سازمان، و در زمینه «تحلیل داده، پایتون و ...» انجام می‌دهم، در ارتباط مستقیم با دانش ریاضی است.

● با این علاقه‌مندی و دوستی که بین شما، ریاضی و مجله رشد ریاضی برهان وجود دارد، آیا مایل هستید که در نقد آن برایمان صحبت کنید؟

○ بله و البته که با همه اشکالاتی که ممکن است وجود داشته باشند، وجود چنین مجلاتی را برای مخاطبان مغتنم می‌دانم. اما اگر صحبت از نقد برای کمک به ارتقای کیفیت مجله باشد، باید بگویم به نظر می‌رسد مثل خیلی از محتواهای دیگر، مجله رشد ریاضی برهان هم آن‌گونه که شایسته است، به روز نیست. البته این یک موضوع نسبی است و ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که این نشریه با دیگر اجزای نظام، مانند کتاب درسی و محتواهای بسته‌های آموزشی و دیگر اجزا، فاصله معناداری داشته باشد.

● با توجه به محدودیت صفحه‌ها برای گفت‌وگوهای طولانی و اینکه بشود نظر شما را در عمل به کار بست، لطفاً موضوع را خلاصه و البته روشن‌تر بیان کنید.

○ نکته‌ای که در خصوص روزآمد نبودن شایسته مطرح می‌کنم، بیشتر ناظر بر ارتباط مجله با مخاطب امروزی آن است. شاید بتوانم به عنوان کسی که در دوره‌ای خاص (همان سال‌های ۷۱ تا ۷۵) مخاطب این مجله بوده و نسبت به شرایط آن زمان از چنین رسانه‌ای استفاده لازم را برده است، اشاره کنم که رمز توفیق مجله رشد ریاضی برهان در آن دوره «پاسخ‌گویی کارآمد به نیازهای مخاطب» بود.

اگر بخواهیم این مجله همچنان برای مخاطب کارآمدی داشته باشد، باید یادمان بماند که مخاطب امروز نسبت به حدود یک چهارم قرن پیش حتماً تغییرات خیلی زیادی کرده است. لذا انتظار می‌رود مجله هم اگر نه به آن نسبت، حداقل نزدیک به نیازها، نگاه‌ها و دیدگاه‌های مخاطب حرکت و تولید محتوا کند. بدان امید که در فرداهای دیگر باز هم کسانی باشند که مثل من از وجود مجله‌ای کارآمد، مؤثر و جذاب بگویند و حاضر باشند نه از شهری به شهر دیگر بلکه با دسترسی به مجله الکترونیکی رشد ریاضی برهان، از صفحه‌ای به صفحه دیگر بروند و مطالب رشد ریاضی برهان را جست‌وجو کنند.

● و حرف آخر!

○ اگر ریاضی بدانیم، درک بهتری از جهان خواهیم داشت!

خوبی برای دور هم جمع شدن من و هم‌کلاسی‌ها بود که علاوه بر گذراندن ساعت‌های غیردرسی، اوقات خودمان را با فعالیت‌های مفید و در عین حال جذاب و آموزنده پر کنیم. به گمانم وجود چنین مجله‌ای که در واقع رسانه‌ای مفید، تخصصی و در عین حال سازنده بود، این فرصت را در آموزش و پرورش پدید می‌آورد که سازمانی مانند سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، به کمک مجموعه مجلات رشد - که رشد ریاضی برهان یکی از آن‌ها بود - و همچنین تألیف و انتشار کتاب‌های درسی، بر امور و مسائل مدرسه‌های ما احاطه داشته باشد.

یکی دو بار در جلسه‌هایی که با رئیس محترم سازمان، جناب آقای دکتر لطیفی داشتیم خدمتشان گفتم که وجود چنین مجله‌ای باعث شده بود ما با مجموعه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بیشتر آشنا شویم. این مجله حتی فضایی را به وجود آورده بود که در آن ما می‌توانستیم با معلمان خودمان در خصوص موضوع‌ها، سرفصل‌ها و مسابقه‌های مجله گفت‌وگو و مباحثه کنیم. به گمانم فرصت ارزشمندی هم برای ما و هم برای سازمانی بود که باعث این وصل و پیوند و بالندگی می‌شد.

این در حالی بود که بنا به دلایلی که به آن اشاره کردم، مجله برهان در مدرسه ما به شکل رسمی توزیع نمی‌شد، اما آن قدر جذابیت، ارزشمندی و کارآمدی داشت که برای خرید و تهیه آن به شهر می‌رفتیم و آن را به موقع و بلافاصله بعد از رسیدن به کتابفروشی حمدی دریافت می‌کردیم. مجله و مجلاتی که سال‌ها آن‌ها را داشتیم و اگر جابه‌جایی‌های منزل و کمبود فضاهای آپارتمانی نبود، شاید هنوز هم آن‌ها را حفظ می‌کردم و چون تحفه‌ای ارزشمند گرامی می‌داشتیم.

● البته به نظر می‌رسد که رشته مهر دوست، شما را تا همسایگی خودش کشانده است. امروز دفتر کار شما در همسایگی تحریریه این مجله و دیگر مجلات رشد قرار دارد!

○ بله، همین طور است. مدرک دیپلم را در رشته ریاضی و فیزیک از «دبیرستان نمونه دولتی شهید عباسعلی فیروزجاییان بابل» دریافت کردم و برای دریافت کارشناسی مهندسی رایانه، گرایش نرم‌افزار به دانشگاه فردوسی مشهد رفتم. در ادامه توانستم در دوره کارشناسی ارشد در «رشته مهندسی فناوری اطلاعات»، گرایش «تجارت الکترونیک» از دانشگاه دولتی قم فارغ‌التحصیل شوم و در حال حاضر از سال ۱۴۰۲ در دوره دکتری مدیریت فناوری اطلاعات، «گرایش کسب‌وکار» مشغول تحصیل هستم. البته دست تقدیر مرا به آموزش و پرورش و مهد تولید مجله‌های رشد، یعنی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی کشاند. بدین گونه که از آبان ماه سال ۱۳۹۶ به عنوان رئیس گروه تولید محتوای الکترونیکی (شبکه رشد) همسایه دیواره دیوار «دفتر انتشارات و فناوری آموزشی» بوده‌ام و هم